

گلستان خوشنویسی

● کاوه تیموری

□ سیری در گلستان خوشنویسی
□ نوشته: مهدی الماسی
□ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
□ چاپ اول، ۱۳۷۷



بسیار موفق است خاصه آنکه چاپ تمام رنگی این قطعات و قطع رحلی کمک شایانی به زیبایی صفحات آن نموده است و از این حیث بیننده کتاب با صفحه آرای چشم نوازی مواجه می‌شود.

در صفحه ۱۸ مؤلف «خط برگردان» را به عنوان نوعی از انواع خطوط اسلامی، در آن بخش مطرح کرده، و حتی علی‌رغم آنکه در ضمن بحث از خط برگردان، اشاره کرده است که «همه خطوط را می‌توان به این شیوه نوشت» باز این امر ذهن خواننده ناآشنا این گونه متبادر می‌شود که خط برگردان نوعی خط است. در حالی که برگردان یا قرینه کردن کلمات و حروف نسبت به هم نوعی خط نیست بلکه نوعی ابتکار و یا شگرد و شیوه به دست دادن فرم‌ها و فضاها چشم نواز است و باز به نوشته مؤلف «قالی تفتنی و تزئینی است» و حاصل سخن اینکه نوعی خط نمی‌باشد.

کتاب دارای نثر راحت و روانی است و نرمی کلمات و عبارات هویداست. در فصل انواع خطوط منابع ذکر نشده است و تنها به ذکر منابع کلی در انتهای کتاب بسنده شده است.

ذکر منابع در ارتباط با موضوع مطرح شده به طور خاص از آن جهت سودمند است که خواننده را به آن منبع خاص راهنمایی و هدایت می‌کند و حال آنکه مخاطب کتاب یعنی نوجوان با دیدن ۲۱ منبع پایانی در نمی‌یابد که برای کسب مطالب بیشتر در یک موضوع از کدام کتاب می‌تواند استفاده کند.

ذکر عنوان «راه سخت و طاقت فرسای خوشنویسی» با در نظر داشتن مخاطبان ممکن است قدری ایجاد نگرانی کند خاصه اینکه در روزگار ما در کنار هنر خوشنویسی هنرهای رقیب بسیارند و به راحتی به علت سختی و مشکلات آموزشی و تحصیل این هنر می‌تواند هنرجوی خط را از انگیزه بیندازد و از

خوشنویسی به آنها پرداخته شده، لازم است که مقطع تاریخی یا زمان تولد و در گذشت آنها ذکر شود. این امر از آن جهت مفید است که مخاطب را از نظر پذیرش مطلب، ترغیب بیشتری می‌تواند نماید.

مؤلف در نثر کتاب و در بعضی موارد زمانی که می‌خواهد مطلبی را ارائه دهد از فعل «می‌گویند» (ص ۱۰)، استفاده می‌کند. این امر تنها نوعی تردید در متن القاء می‌کند و جمله آورده شده را که دارای اعتبار و ارزش لازم است از این کیفیت می‌اندازد در مورد ذکر ارجاعات و منابع در متن ممکن است بیان شود که سخن گفتن با مخاطبان نوجوان اقتضای چنین روشی است که مطالب بدون ارجاعات و آوردن گیومه بیان شود و حال آنکه ذکر منابع و یا حداقل اشاره به ردیابی از آن می‌تواند عادت پسندیده‌ای را در آنها فراهم آورد که معمولاً مطالب مطرح شده در یک کتاب دارای منابع و مأخذ می‌باشند. به همین جهت ترویج این روش، از همین دوران آثار آموزشی و مثبت خود را برجای خواهد گذاشت.

کتاب از نظر به کارگیری مجموعه‌ای از قطعات خوشنویسی که مناسب با محتوای متن انتخاب شده‌اند

کتاب «سیری در گلستان خوشنویسی» از آثار تالیفی در زمینه هنر خط می‌باشد که به همت مؤلف جوان آن تدوین شده و در قطع مناسب رحلی با کاغذ اعلای گلاسه توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به زیور طبع آراسته شده است از این مؤلف دو اثر دیگر که دارای قالب داستانی می‌باشند به چاپ رسیده است. یکی کتاب «چلیپای قلم» یا «زندگی داستانی میرعماد الحسنی» (۱۳۷۷، حوزه هنری) و دیگری کتاب کم حجم «کلهر» (۱۳۷۸، مدرسه) است. در این دو اثر الماسی شم و ذوق داستان نویسی خود را با موضوعات زندگی استادان صاحب مکتب هنر خوشنویسی آزموده است. اثر مورد نظر در این نوشتار آن گونه که در مشخصات آن آمده، برای نوجوانان دوره راهنمایی و دبیرستان تحریر شده و هدف آشنایی آنان با دنیای زیبا و اصیل هنر خوشنویسی است.

کتاب در ۱۲ عنوان شکل گرفته است و با عنوان «خوشنویسی چیست؟» آغاز شده و با عناوین دیگر ادامه می‌یابد. از نظر تعداد صفحات و نسبت و اندازه مطالب هر بخش اثر، تناسبی دیده نمی‌شود. در بعضی از موارد موضوع به اجمال برگزار شده (در حد یک صفحه) و در بعضی از موارد به تفصیل (در حد ۲۴ صفحه) به بحث گذاشته شده است.

در صفحات ابتدایی کتاب، مؤلف از کتاب «تاریخ خط» تالیف «آلبرتین گاور» (نشر مرکز، ۱۳۶۷) نقل مستقیم داشته‌اند که مطالب مورد استفاده بتأیید عرف و روش‌های معمول باید در گیومه استفاده شود.

در قسمت سیر خوشنویسی در جهان اسلام نگاهی بسیار گذرا اعمال شده و در مورد ذکر اسامی استادان بنام مانند میرعلی هروی یا سلطانعلی مشهدی و یا ابن مقلة علی‌رغم آنکه در قسمت شرح حال بزرگان



باب فی توضیح اصطلاحات

«خوشنویسی در زمان ما» از بحث‌های دیگر کتاب است که می‌توانست مطالب سودمند بیشتری را برای نوجوانان در برداشته باشد زیرا گفته‌های زیادی با توجه به نشو و نمای هنر خوشنویسی به ویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی قابل طرح می‌باشد. تنها اشاره به این نکته که دوره فعلی یکی از کم‌نظیرترین دوره‌های اعتلای این هنر می‌باشد، کافی است که نوجوان امروزه را به اهمیت میراث پاکیزه شده خوشنویسی توجه دهد و دیگر آنکه ذکر تنی چند از اسامی خوشنویسان معاصر دارای یک ترتیب و توالی منطقی نیست و تنها در کنار هم ذکر شده و از سوی دیگر به اهمیت ورزش هنری آنها هم به طور باید و شاید پرداخته نشده است.

شاید نظر گردآورنده اثر این باشد که در موضوع «خوشنویسی معاصر» به تالیف جداگانه‌ای روی آورد و در آنجا زمینه‌های ناگفته را فراهم نماید و البته تاکید بر این نکته ضروری است که زمینه تالیف چنین اثری همچنان وجود دارد و همت مستدام و بینش نظری بلندی را طلب می‌کند.

در مجموع در مورد اثر «سیری در گلستان خوشنویسی» می‌توان گفت که این اثر وجه قالب تذکره‌نویسی و بیان شرح احوال خوشنویسان را دارد و همت مؤلف در فراهم آوردن این اثر به مثابه گام‌هایی است که می‌تواند در آثار بعدی آثار ارزشمند دیگری را فراهم آورد خاصه آنکه الماسی در حال از سرگرداندن تجربیات نویسندگی و تالیف است و این آثار همانند پله‌هایی است که رشد روز افزون او را تضمین می‌نماید. در هر حال آنچه که هویداست این است که قلم الماسی به راه افتاده است و در نتیجه انتظار به وجود آوردن آثار دلنشین و موردپسند اهل هنر از او، امری طبیعی می‌نماید.

اصولاً حال و هوای وقایع نگاری در یک زبان داستانی در شرح و احوال خوشنویسان شیوه قالبی است که مؤلف آن را دنبال کرده است.

با توجه به سابقه مؤلف در نوشتن زندگی داستانی میرعماد و کلهر (۱۲۴۵ - ۱۳۱۰ ه. ق.) استنباط می‌شود که نامبرده با داشتن ذوق ادبی در آثار داستانی بیشتر توفیق دارد و این اثر در حقیقت، به نوعی حاصل مطالعاتی بوده که در حوزه خوشنویسی برای بازسازی زندگی میرعماد صورت گرفته و مؤلف با تألیف آنها مجموعه مختصری به نام «سیری در گلستان خوشنویسی» فراهم آورده است. گرچه بخش شرح حال خوشنویسان بزرگ و یا یادی از بزرگان خوشنویسی نسبت به سایر بخش‌های اثر از تعداد صفحات بیشتری برخوردار شده است به گونه‌ای که ۴۰ درصد از کل کتاب را در برگرفته است و همین امر موجب شده که در نهایت کتاب به عنوان یک اثر «تذکره‌نویسی» تقلیل جایگاه یابد. این در حالی است که کتاب‌های تذکره که در بردارنده شرح حال خوشنویسان است، در این حوزه کم در مورد درویش عبدالمجید (۱۱۳۵ - ۱۱۷۰ ه. ق.) ذکر شده که وی در شهر طالقان به دنیا آمده و کسانی که با منطقه طالقان آشنا هستند واقفند که شهری به نام طالقان وجود ندارد و محل تولد درویش عبدالمجید به استناد یکی از سیاه مشق‌های شکسته که در انتهای آن، نام خود را با پسوند طالقانی مهران می‌ذکر کرده روستای مهران در منطقه طالقان بوده است.

در صفحه ۴۰ آوردن عبارت «... نمک خط باباشاه را با هم داشت.» نیاز به توضیح دارد زیرا اصطلاح «نمک خط» معمولاً در بین استادان و خوشنویسان با تجربه باب می‌باشد و به طور حتم دانش‌آموزان می‌توانند برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشند.

میدان ذوق آزمایی همراه با زحمت این هنر بدر کند. عنوانی دلنشین تر مانند «راه سخت ولی نشاط آفرین خط» و یا «سخت کوشی و همت در خوشنویسی» و یا هر آنچه که ذهن نویسنده به آن راه دهد می‌تواند این لطیفه را تداعی کند که «هر مرادی را به همت می‌توان تسخیر کرد» و قدری برای بچه‌ها جاذبه بیشتری ایجاد کند. در بحث خوشنویسی و ادبیات جا داشت که این ارتباط بهتر و بیشتر مورد کند و کاو قرار گیرد و یا حداقل ذکری از معاصرین نیز به میان آید، به عنوان نمونه از علاقمندی مرحوم عمادالسیفی (۱۲۴۰ - ۱۳۱۵ ه. ش.)، برادران میرخانیه ویژه مرحوم استاد سید حسن میرخانیه (۱۲۸۷ - ۱۳۲۰ ه. ش.) صاحب دیوان بنده و یا مرحوم عبدالرحیم افسر اصفهانی که تذکره نویسان در وصف شعر و خط او بیان داشته‌اند که نمی‌دانند وی را «شاعر خوشنویس» معرفی کنند یا «خوشنویس شاعر».

در بخش یادی از بزرگان خوشنویس، در مورد زمان تولد این مقله (۲۷۳ - ۳۲۸ ه. ق.) اشاره شده است که در «قرن سوم هجری قمری در بغداد به دنیا آمد» و این در حالی است که مخاطب کتاب بنا بر شرایط سنی از نام این مقله سابقه‌ای در ذهن ندارد و حداقل این است که زمان نزدیک به تولد او مثلاً دهه هشتم قرن سوم هجری در کتاب ذکر شود.

کار ارزنده مؤلف در بیان حکایات و فرازهای برجسته و روایات معنوی از زندگی خوشنویسان و بزرگان و همچنین احادیث مربوط به شأن و حرمت این هنر دارای ویژگی بارز «دانش آموز پسندی» است و موجب برانگیختن و علاقمندی دانش‌آموز به هنر اصیل خوشنویسی می‌شود و از محاسن دیگر آن این است که موجب تداوم مطالعه و پیگیری مطالب کتاب می‌شود.